

عنوان: مبانی فقهی و حقوقی سانسور با تأکید بر کتب ضاله

دکتر سیدمحمد هاشمی<sup>1</sup>

سید احمد حبیب نژاد<sup>2</sup>

سیده فاطمه موسوی<sup>3</sup>

چکیده:

آزادی اطلاعات و بیان از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین حقوق بشری هستند؛ که در زمره حقوق مدنی و سیاسی است.

در قوانین اساسی و بسیاری از اسناد بین‌المللی مورد تأکید و تصریح قرار گرفته اند، که با رشد و پیشرفت جامعه و تعالی انسان در ارتباط هستند اما این آزادی‌ها مطلق نبوده و دارای حدود و ثغوری است، یعنی در برخی اخبار و اطلاعات سانسور مطالب صورت می‌گیرد. امروزه موضوع سانسور به یکی از بحث‌انگیزترین مباحث تبدیل شده است. به همین خاطر مقاله حاضر ضمن تحلیل مفهومی سانسور به بررسی مبانی فقهی و حقوقی آن با تأکید بر «کتب ضاله» که حرمت آن از دیرباز بین فقهای اسلام امری مسلم فرض شده است، می‌پردازد.

کلید واژه:

سانسور، کتب ضاله، آزادی بیان، آزادی اطلاعات، آزادی مطبوعات،

<sup>1</sup> . استاد دانشگاه شهید بهشتی تهران

<sup>2</sup> . عضو هیات علمی پژوهشگاه فرهنگ اندیشه اسلامی

<sup>3</sup> . دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فقه مقارن و حقوق عمومی اسلامی-

## مقدمه :

پدیده‌ای که در عصر حاضر توجه همگان را به خود جلب کرده است، آزادی بیان، در بیان اخبار و اطلاعات و رساندن آن‌ها به مردم است. که یکی از مهم‌ترین وسیله رساندن این اخبار و اطلاعات رسانه‌ها هستند. اهمیت و نقش روز افزون رسانه‌ها در حیات اجتماعی انسان معاصر، به حدی غیر قابل انکار رسیده، و به عنوان یکی از اجزای ضروری و جدایی ناپذیر زندگی انسان‌ها تبدیل شده است. و به همین خاطر، در جوامع پیشرفته کنونی، افراد انسانی کوشش می‌کنند همیشه در جریان همه امور و مسائل اجتماعی قرار داشته باشند؛ در واقع آگاهی اجتماعی، از مهم‌ترین ویژگی‌های زمان معاصر به شمار می‌رود و همین آگاهی است که انسان را به زندگی فردی و جمعی علاقمند می‌سازد و توجه او را به آزادی‌ها و مسئولیت‌های وی جلب می‌کند. اما چون اعمال این آزادی (اطلاعات) با خود وظایف و مسئولیت‌هایی را به همراه دارد، ممکن است مشتمل بر شرایط و محدودیت‌هایی باشد. یکی از این محدودیت‌ها، سانسور است. مسأله سانسور از دیرباز در رسانه‌های کشورهای مختلف و ارتباط آن با محدودیت آزادی بیان مطرح بوده است. در کشور ما نیز هم اکنون موضوع سانسور در رسانه‌های جمعی مان‌ند صدا و سیما، سینما، مطبوعات و اینترنت از زوایای حقوقی و قانونی شفافی برخوردار نیست و مخالفین و موافقین سانسور در رسانه‌ها، در مواردی راه افراط یا تفریط را پیموده اند. اما آنچه مسلم است، اینست که اصل لزوم سانسور در رسانه‌ها در قانون هیچ کشوری حتی مدعی دم و کراسی نفی نشده است بلکه تمام کشورها با توجه به فرهنگ، ارزش‌ها و اعتقادات خود، بر رسانه‌های جمعی نظارت داشته و آزادی مطلق به آن‌ها اعطا نکرده اند و دولت‌ها، سانسور در رسانه‌ها را در زمینه‌های مختلف اخلاقی، سیاسی و امنیتی، از حقوق مسلم خود دانسته و آن را به صورت قانون در آورده اند.

امروزه مبحث جدیدی در حقوق کشورهای پیشرفته در این خصوص با عنوان «حقوق سانسور<sup>4</sup>» مطرح گردیده و توجه حقوقدانان و قانونگذاران را به صورت جدی به خود معطوف داشته است بویژه آن که هم اکنون با گسترش دنیای ارتباطات و اینترنت امکان سانسور و به کار گرفتن روش‌هایی آشکار برای اخلاقی در ارتباطات دشوار شده است. (هاشمی، 1383، ص3) اکنون پرسش این است که مبانی فقهی و حقوقی این محدودیت

<sup>4</sup>OCensorship Law

یعنی سانسور چیست؟ و رویکرد حقوقی ایران نسبت به سانسور چیست؟ پژوهش حاضر پاسخ این پرسش را با توجه به دلایل حرمت « کتب ضالّه » بیان می‌دارد.

## 1- سانسور

در این مبحث به تبیین مفهوم سانسور پرداخته می‌شود؛ و علاوه بر این به این موضوع اشاره می‌شود که آیا سانسور را باید به عنوان یک اصل یا استثناء بر آزادی بیان و اطلاعات مورد قبول قرار دهیم .

### 1-1- مفهوم سانسور :

سانسور در اصل کلمه فرانسوی است که در فرهنگ لغت‌ها این-گونه معنی شده :

در فرهنگ لغت لاتین **Censor** به معنای: مأمور سانسور، محتسب، مأمور سرشماری، ممیزی کردن معنا شده است. (حق شناس، 1386، ص174)

در زبان عربی اصطلاح رقابہ را برای سانسور به کار برده - اند، که به معنای: نظارت، سرپرستی، مراقبت، و سانسور آمده است. (الکیالی، 1991، ص82)

واژه‌ی سانسور ( **censorship**) به معنی بررسی و جلوگیری از پخش اطلاعات و دانش در مفهوم عام آن در سطح جامعه است که از طرف دستگاه دولتی رهبری می‌شود. برد سیاسی - اجتماعی واژه معمولاً در رابطه با آزادی بیان است. (رحیق اعضان، 1384، ذیل واژه سانسور)

سانسور تحدید بیانی است که تهدیدی بر آیین دینی، سیاسی و اجتماعی پذیرفته شده در زمانه تلقی می‌شود و نگاهی از بیرون به این پدیده است. (Turner, 1996, p147)

با توجه به مطالب ذکر شده، به تحدید آزادی بیان سانسور گفته می‌شود که امروزه، به مفهوم ایجاد هر چیزی است که، باعث اختلال در ارتباط از سوی فرستنده به گیرنده است. در واقع انگیزه واضح برای انجام سانسور ایجا ثبات در جامعه یا بهبود وضعیت آن به گونه ای است که سیطره دولت بر امور را محقق می‌کند. بنابراین شرط تحقق سانسور در صورتی است که افراد، سازمان‌ها یا مقامات حکومتی و سیاسی با طرح و برنامه قبلی در روند ارتباطی بین فرستنده تا گیرنده بنا به دلایلی اختلال ایجاد کنند.

## 1-2- سانسور: اصل یا استثنا

آزادی بیان یکی از آزادی‌های عمومی و اساسی بشر می‌باشد و به خاطر اهمیتی که دارد معمولاً قوه‌ی موسس هر کشور، آن را در قانون اساسی خود برشمرده و هم‌چنین در اسناد بین‌المللی به عنوان حق اساسی بشر، به آن اشاره شده است.

آزادی بیان مستلزم آزادی در جستجوی فعال اطلاعات از منابع آن است در پیرو این مطلب، شهروندان بایستی حق دسترسی به اخبار و اطلاعات صحیح داخلی و خارجی را داشته و آزادی مطبوعات، چاپ و نشر و ایجاد موسسات انتشاراتی جز لاینفک این‌گونه آزادی‌هاست.

یکی از مهم‌ترین کارکردهای آزادی بیان، رابطه مردم و حکومت است. که این آزادی در جامعه باعث اصلاح سازی کارها و جلوگیری از کژروی‌ها و هم‌چنین باعث کنترل و نظارت مردم بر کارهای دولت و جلب مشارکت عمومی در حل مشکلات جامعه است. و این مهم به دست نمی‌آید مگر این‌که مردم از جریان امور آگاه بوده و بر همین اساس در تصمیم‌گیری‌های حکومت مشارکت داشته باشد.

برای تحقق آزادی بیان در بین شهروندان نه تنها لازم است که دیدگاه‌های علیه حکومت اجازه نشر بیابند بلکه باید حقی در جستجوی این دیدگاه‌ها بود. بنابراین لازمه‌ی «حق دانستن» ایجاد نهادهایی قوی برای حمایت از این حق است: نکته‌ی مهم این است که ترتیبی راه شود تا سیستم‌هایی که راه را برای «اعمال نفوذ» باز می‌گذارند، برچیده شود.

به این ترتیب است که می‌توانیم از وجود حکومتی شفاف که آشکار، پاسخگوی مردم است مطمئن باشیم. «( کین، 1383، ص154)

یکی از نهادهایی که ارتباط تنگاتنگ با مشارکت عموم در تعیین سرنوشت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه دارد و در اسلام نیز از جایگاه والایی برخوردار است اصل شورا می‌باشد. از آنجایی که هدف نظام سیاسی اسلام رشد دادن انسان در حرکت تکاملی و رسیدن به قسط و عدل در تمامی ابعاد زندگی است جز از طریق مشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع در روند تحول جامعه سیاسی نمی‌تواند تحقق یابد، اصل شورا برای حکومت اسلامی، نهادی اجتناب ناپذیر خواهد بود. ( عمید زنجانی، 1377، ص463)

اصل دیگری که در اسلام مورد تأکید قرار گرفته و مستلزم تقویت آزادی اطلاعات می‌باشد، امر به معروف و نهی از منکر است. اسلام بر اساس این دستور، مسلمانان موظف نموده که با تشخیص «معروف» و «منکر» در راه گسترش معروف و زدودن منکر، پیکره‌ی جامعه و نظام اسلامی را از انحرافات داخلی و خارجی تضمین نماید. گذشته از این موارد یک حق سیاسی به شمار می‌رود. و این مهم به دست نمی‌آید مگر این‌که افراد بتوانند از اطلاعات و اخباری که مربوط به جامعه و منافع عمومی مربوط می‌شود، دسترسی داشته، و آگاه شوند. این اصل در نظام جمهوری اسلامی ایران که متأثر از آموزه‌های اسلامی است در اصل هشتم قانون اساسی بر حمایت از امر به معروف و نهی از منکر تأکید کرده اند. «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم نسبت به دولت، شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند» بدین سان باید بستر قانونی برای برخورداری از این حق اساسی به‌ویژه در مصاف با دولت و نیز ادای تکلیف شرعی فراهم شود که متأسفانه هنوز چنین قانونی تصویب نشده است.

در بسیاری از قوانین اساسی و اسناد بین‌المللی نیز بر آزادی اطلاعات و حق آگاهی مردم از اخبار و اطلاعات تأکید شده است. در ماده 19 اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است:

«هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد؛ این در برگیرنده‌ی آزادی داشتن عقیده بدون مداخله، و آزادی در جستجو، دریافت و انتقال اطلاعات و عقاید از طریق هر نوع رسانه‌ای بدون در نظر گرفتن مرزها باشد.»

هم‌چنین در بند 2 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز آمده است:

«هر کس از حق آزادی عقیده و بیان بدون هیچ‌گونه مداخله‌ای برخوردار می‌باشد. این حق مشتمل بر آزادی جستجو، دریافت و رساندن اطلاعات و اندیشه‌ها از هر نوع، خواه شفاهی، کتبی، چاپ به صورت هنری یا به هر وسیله دیگر فارغ از ملاحظات مرزی می‌باشد.»

طبق این مواد دستیابی به اطلاعات و اخبار در خصوص مسائل داخلی و بین‌المللی و نیز آزادی مطبوعات و چاپ و... از حقوق مردم در بهره‌گیری از اطلاعات در نظام مردم‌سالاری و دموکراتیک شمرده می‌شود.

اما در بعضی موارد لازم است، در این اطلاعات و اخبار تحدیدی صورت گیرد و در آن محدودیت‌هایی اعمال شود، در این صورت به این تحدید آزادی بیان و اطلاعات سانسور گفته می‌شود. سانسور باعث تحدید حق آگاهی انسان‌ها و دسترسی آن‌ها به اطلاعات که از حقوق اساسی بشر بوده، می‌شود.

امروزه حکومت‌هایی که خود را برخاسته از اراده‌ی مردم و دمکراتیک می‌دانند « گزارش دهی » به مردم را یکی از وظایف مهم خود می‌شمارند. و آزادی‌های مدنی به ویژه حق آگاهی مردم از اخبار و اطلاعات را از حقوق اساسی مردم به شمار می‌آورند که نباید این آزادی‌ها را مضیق و محدود کرد، مگر آن‌که قانون گفته باشد. در واقع « اختفاء و تمایل صاحب منصبان به پنهان کاری نتیجه‌ای جز پرورش زمینه سوء استفاده از قدرت، سوء مدیریت و استبداد را نخواهد داشت. بر همین مبانی است که هیچ دولتی در حال حاضر نمی‌تواند رسماً حق مردم را در بهره‌مندی از اطلاعات انکار کرده یا ضرورت شفافیت بخشیدن به اقدامات مقامات عمومی را به عنوان یک اصل بنیادین دموکراسی و پاسخگو بودن دولت در برابر علت رد کند.

در خصوص این مهم، رسانه‌ها از نقش کلیدی برخوردار هستند، در واقع این نهادهای اطلاع رسانی همگانی به عنوان یک دیده‌بان و ناظر اقدامات مسئولین و موثر در افزایش و بالا بردن جریان اطلاعات به روی مردم باید ایفای نقش کنند. در مقابل این رسالت دیده می‌شود که نه تنها طبقه حاکم با پنهان کاری و تقویت فرهنگ اختفاء مانع از فعالیت نهادهای اطلاع رسانی می‌گردد بلکه در رویه خود و وضع قوانینی به محدود کردن بیش از پیش آزادی بیان بر مبنای یکسری معیارهای غیر معقول همت می‌گمارند». (حبیبی، 1382، صص 69-68) مثلاً گاهی اوقات حاکم حکومت‌ها به بهانه‌ی « امنیت ملی » حدود اختیارات رسانه‌ها را تعیین، بر گزارش‌های رسمی خبری نظارت و بعضی اطلاعات را تحت عنوان « اطلاعات محرمانه » طبقه بندی می‌کنند. آن‌ها اسناد عمومی را از بین می‌برند و بر حیل‌های کثیف خود سرپوش می‌گذارند. مکالمات تلفنی بعضی شهروندان را در خانه - هایشان شنود می‌کنند. (کین، 1383، 119) که می‌توان گفت، معمولاً این عناوین دستاویزی برای بسیاری از حکومت‌ها قرار می‌گیرد تا به واسطه‌ی آن هر نوع اندیشه و عقیده‌ای را از بین می‌برند و سرکوب کنند.

اما از آنجایی که آزادی بی‌ان، آزادی اطلاعات و اخبار به‌خاطر فوایدی چون: گزارش دهی دولت، نقش نظارتی، انتقادی نسبت به عملکرد دولت و... را دارد، ارزشمند می‌شود، بنابراین محدود کردن این آزادی‌ها (سانسور و ممیزی) نیز نیاز به توجیه دارد. این محدودیت‌ها و حد و مرزها نه تنها در اسلام و اسناد بین‌المللی بشری آمده بلکه در قوانین داخلی همه کشورهای آزاد با توجه به منافع عمومی، امنیت کشور، احترام به حقوق دیگر افراد و یا مفاهیمی نظیر آن تعیین شده است.

(اغلب آن‌هایی که با سانسور مخالف هستند به این دلیل آن را تقبیح می‌کنند، چون افرادی که به سانسور مطالب می‌پردازند آن‌چه را برای خود غیر مفید و غیر اخلاقی و از نظر خود به مصلحت جامعه و حکومت نمی‌دانند به همه افراد جامعه سرایت داده و چون معمولاً قوانین و ضوابطی دقیق و کاربردی در زمینه کارشان وجود ندارد بیشتر به سلیقه‌ی شخصی عمل می‌کنند و هم‌چنین آن را مخالف با آزادی بیان و اطلاعات و حق آگاهی انسان که از حقوق اساسی و بنیادین بشر است، می‌دانند و می‌گویند شخصی که دریافت‌کننده اطلاعات و پیام است، درستی و نادرستی پیام‌ها و اطلاعات را تشخیص می‌دهد و آن مطالب نیاز به نظارت قانونی از طرف سازمان یا دولت و امثال آن نیست. مخالفان سانسور می‌گویند، سانسور مثل یک مبارزه یک طرفه می‌ماند، که هر دو طرف شرکت‌کننده از شرایط مساوی و برابر برخوردار نیستند. که یک طرف آن را حکومت که همیشه غالب است، تشکیل می‌دهد. «سانسور مبارزه را نابود نمی‌کند بلکه آن را یک جانبه می‌کند، مبارزه‌ای آشکار را به مبارزه‌ای پنهان تبدیل می‌کند، مبارزه بر سر اصول را به مبارزه‌ی اصول بدون قدرت به قدرتی بدون اصول تبدیل می‌کند. سانسور حقیقی که بر ذات آزادی مطبوعات استوار است، همانا نقد است. این دادگاهی که آزادی مطبوعات از خودش ایجاد می‌کند. سانسور نقدی است که در انحصار حکومت قرار می‌گیرد. اما آیا هنگامی که سانسور نه علنی بلکه سرپوشیده است؛ هنگامی که نه تئوریک بلکه عملی است؛ هنگامی که نه فراتر از احزاب بلکه خود یک حزب است. هنگامی که نه چون چاقوی تیز خرد بلکه قیچی کند خودسرانگی است؛ هنگامی که نقد می‌کند اما خود بدان تسلیم نمی‌شود هنگامی که در جریان تحقق خویش خود را انکار می‌کند؛ و سرانجام هنگامی که آن قدر غیر انتقادی است که به نادرست فرد را جایگزین خرد عمومی، فرمان‌های مستبدانه را جایگزین اظهارات منطقی و لکه‌های مرکب را جایگزین لکه‌های نور خورشید، محذوفات نادرست سانسورچی را جایگزین ساختارهای ریاضی، و قدرت

زمخت را جایگزین استدلال‌های تعیین‌کننده می‌کند، خصوصیت منطقی خود را از دست نمی‌دهد. (مارکس، 1384، صص 94-95)

در مقابل هم آن‌هایی که با سانسور موافق هستند، آن را نوعی نظارت بر اعمال رسانه‌ها و مطبوعات و... می‌دانند و در حقیقت عمل سانسور را همان حد و مرز آزادی بیان می‌دانند. و معتقدند که رسانه‌های جمعی و مطبوعات به طور خاص باید دارای حدود و ثغوری باشند<sup>5</sup>. قانونمند کردن سانسور، علاوه بر کنترل منطقی مطبوعات و رسانه‌ها، موجب می‌شود که از اعمال سلیقه برخی از عوامل دولتی در این زمینه جلوگیری شود و این در بسیاری از موارد، به نفع مطبوعات و رسانه‌ها خواهد بود؛ نه به ضرر آنان.

در بازنگری و تدوین مربوط به سانسور، باید نه آن چنان سختگیرانه برخورد نمود که آزادی بیان که حق مسلم مطبوعات و رسانه‌هاست به مخاطره افتد و نه آن چنان بی‌مبالات بود که بی‌بندوباری‌ها و اعمال خلاف اخلاق و عقلانیت که حتی در بسیاری از کشورهای غربی نیز مورد پذیرش قانون‌گذاران و سازمان‌های طرفداران اخلاق نیست. (هاشمی، 1383، ص9)، مثلاً قانون کنترل و سانسور اینترنت برای نخستین بار توسط کنگره آمریکا در سال 1995 تصویب شد. هدف این قانون حمایت از کودکان و نوجوانان و جلوگیری جدی از انتقال مضامین زشت و زننده و خشونت بار در شبکه‌های یارانه‌ای و اینترنت بود.

با توجه به مطالب ذکر شده، در حقیقت سانسور یک استثناء، نسبت به اصل آزادی بیان و اطلاعات می‌باشد. و به همین علت این استثناء باید دارای حدود و ثغوری مشخص باشد، که اصل را از بین نبرد. هم‌چنین باید توجه داشت افرادی آگاه برای امر سانسور در هر حوزه قرار داده شود. که به وسیله سانسور ضربه‌ای به اطلاعات و اخبار وارد نشود. که این امر می‌تواند از نتایج نامطلوب سانسور غیر منطقی به حساب آورد لکن من حیث المجموع منافع سانسور در صورتی که به نحو صحیح انجام پذیرد از زیان‌های آن خیلی بیشتر است. گذشته از همه این‌ها اگر معتقد باشیم که کتاب یا هر وسیله ارتباطی دیگر هرگز اخلاق کسی را فاسد نکرده ناگزیر باید قبول کنیم که کتاب در راه اصلاح و پرورش ذهن

---

22. امام خمینی(ره)، می‌فرمایند: «مطبوعات باید یک مدرسه سیار باشند ... به طور کلی، مطبوعات باید یک بنگاه هدایت باشد؛ یعنی به صورتی که اگر دست مردم بیفتد مردم هدایت شوند.» (صحیفه نور(ج18)، ص65). ایشان هم‌چنین در مورد انتخاب افراد برای مطبوعات امری مهم می‌دانند و می‌فرمایند: «انتخاب افراد برای مطبوعات امر مهمی است ... نوشته‌هایی که می‌خواهید طرح بشود چند نفری را که یقین دارید آدم‌های مستقیم هستند و در مسیر ملت و کشور هستند، وابستگی به هیچ‌جا ندارند، مطالعه و درست در آن دقت کنند و بعد از دقت، در روزنامه یا مجله نوشته شود... اگر کسی افکارش منحرف بود. و حالا بیاید ادعا بکند که من برگشته‌ام ما باید قبول بکنیم، اما نباید او را مجله نویس کنیم. این دو با هم فرق دارد...» (همان(ج13)، ص249). هم‌چنین در مورد چاپ مقالات می‌گویند: «این مقالات را با دقت، در یک شورایی که خودتان تاسیس می‌کنید مطالعه کنید ... یک نفر نه، یک شورایی باشد، یک جمعیتی باشد که مقالات را درست تحت نظر قرار گیرد.» (همان(ج14)، ص51).



هیچ فردی هم مؤثر نبوده است و یا به عبارتی دیگر باید قبول کنیم که هنر اخلاقاً چیزی بی ارزش و بی اهمیتی است و تعلیم و تربیت هم اخلاقاً موضوعی غیر قابل توجه در جهت اصلاح جامعه است. آیا در زمان کنونی یک انسان روشن فکر و آزادمنش به سانسور وسایل ارتباط جمعی معتقد است؟ مسلماً چنین است و او باید سانسوری را که بر اساس اصول صحیح استوار باشد بپذیرد.» ( دستگردی، 1354، صص 194-200)

یکی از موجبات، موجه سانسور، «کتب ضلال» می‌باشد. و به تعبیر دیگر «کتب ضلال» می‌تواند موضوع سانسور به نحو مشروع قرار گیرد؛ به همین علت در این مقاله بر آنیم تا با استمداد از حکم « حرمت کتب ضاله » که حرمت آن‌ها از دیر باز بین فقهای اسلام امری مسلم فرض شده است، مبانی فقهی و حقوقی سانسور را به اثبات برسانیم. نخست به طور مختصر به بررسی مفهوم « کتب ضاله » و دلایل فقها بر حرمت آن می‌پردازیم:

## 2- بررسی موضوع کتب ضاله به عنوان نمادی از سانسور مشروع:

مسأله کتب ضاله از دیر باز در فقه مطرح شده است، و فقها حرمت «کتب ضاله» را مسلم گرفته‌اند این مسأله در منابع فقهی شیعه در خلال مباحث مکاسب محرمة و برخی مباحث دیگر به طور مختصر بررسی شده است.

ظاهراً مسأله «کتب ضاله» برای نخستین بار توسط شیخ مفید در «المقنعه» مطرح شد. مرحوم مفید، دو عنوان «کفر» و «کتب ضلال» را مطرح ساخت و حکم به عدم حلّیت حفظ و کسب با کتب کفر و ضلال داد و می‌نویسد: «و لایحل کتب الکفر و تخلید الصحف الاّ لإثبات الحجج فی فساد و التکسب بحفظ کتب الضلال و کتبه علی غیره ما ذکرناه» ( مفید، 1410 ه.ق، ص 589)

«حفاظت از کتب کفر جز برای اثبات فسادش حلال نیست و کسب از راه حفظ کتب ضاله و نگارش آن به غیر از آن چه گفته شد حرام است».

## 2-1- مفهوم کتب ضاله

الف: 1- ضلال در نظر لغویون به معنای «الضلال و الضلاله و... ضد الهدی و ضلّ یضلّ ضلالاً ضاع و خفی» ( فیروز آبادی، بی‌تا، ص5): «ضلال ضد هدایت است و به معنی گم شدن و پنهان شدن نیز آمده است».

2- ضلال در مقابل هدایت می‌باشد و مراد از کتب ضلال کتاب‌هایی است که خواننده را گمراه می‌کنند و مفسده دارند، خواه هدف اصلی نویسنده گمراهی مردم باشد یا غرضشان ضلال نباشد. منظور از ضلال در این‌جا همین معنای مقابل هدایت بوده و اعم از ضلال در اصول و فروع دین است. پس اگر بر حفظ کتب ضلال مفسده گمراهی و انحراف عقاید یا اخلاق و یا احکام اسلامی مترتب شود حرام است، نه در غیر این صورت. (انصاری، 1410 ه.ق، ص83)

در حقیقت بحث جدی «کتب ضاله» در این‌جاست که منظور از کتب چیست؟ آیا فقط اختصاص به کتاب و نوشته دارد؟ یا دایره‌ی شمول آن بیشتر است و شامل هر نوع وسیله انتقال و رسانش پیام می‌شود؟

ب- منظور از کتب در این‌جا، تنها شامل نوشته‌ها و کتاب نمی‌شود بلکه مراد از کتب شیوه‌ی انتقال پیام می‌باشد که ممکن است به صورت‌های گوناگون صورت گیرد؛ در این مبحث ما به بعضی از شیوه‌ها و وسایل انتقال پیام، توسعه راه‌ها و شیوه‌های انتقال پیام و به تعبیر آگاه‌سازی مخاطبان از یک رویداد و با فکر و عقیده به صورت‌های مختلف انجام می‌شود، می‌پردازیم:

1- ارائه آن به صورت مکتوب و شفاهی از راه امواج صوتی در قالب خبر یا گزارش یا انشاء که توسط خبرنگاران - تحلیل‌گران - نویسندگان و شاعران و... در عرصه مطبوعات (مجلات و روزنامه‌ها) کتاب‌ها، لوح‌های فشرده رایانه‌ای و... انجام می‌شود.

2- ارائه از طریق تصویر و شبیه‌سازان، تعزیه‌خوانان، هنرپیشگان، فیلم‌سازان و حرفه‌های وابسته و تصویرگران در عرصه تلویزیون، ویدئو، تئاتر، سینما و لوح‌های فشرده رایانه‌ای و شبکه اینترنت انجام می‌شود.

بیان یکی از دانشمندان علم ارتباطات نیز مؤید متنوع بودن شیوه‌ها و وسایل انتقال پیام است:

«پیام ممکن است به شکل جوهر روی کاغذ، امواج صوتی در هوا، جریان برق، تکان دادن دست یا پرچم یا هر نوع علایمی باشد که قادر به تفهیم معنی باشد.» (محسنیان راد، 1369، ص189)

خلاصه این مبحث آن که لفظ کتب موضوعیتی نداشته و حکم مطرح شده توسط فقهای عظام هر وسیله انتقال پیام را شامل می‌گردد. جهت تأیید و تقویت این سخن به برخی از سخنان فقها اشاره می‌شود: «لفظ کتب به کتاب اختصاص ندارد پس حفظ غیر کتاب از آنچه شأنیت گمراه سازی داشته باشد حرام خواهد بود. مزار، مقبره، امثال آن این‌گونه اند. بنابراین بهتر است که عنوان را اعم بگیریم و اگر فقها عنوان کتاب را انتخاب کرده اند به خاطر این است که کتاب از مصادیق غالب عنوان وسیله انتقال پیام است. (یزدی، 1378، ص23)

آیت الله مکارم شیرازی می‌فرماید:

«کتب ضاله اختصاص به کتاب ندارد، بلکه شامل عکس‌ها، فیلم‌ها، رادیوها و... نیز می‌شود.» (مکارم شیرازی، 1415 ه.ق، ص242)

## 2-2- دلایل حرمت کتب ضاله از دیدگاه فقها

علما بر حرمت کتب ضلال به دلیل های چهارگانه ذیل استناد کرده اند:

الف- بعضی آیات قرآنی بر حرمت کتب ضلال دلالت دارند که می‌توان به این دو آیه اشاره کرد:

1- «ومن الناس من يشتري لهو الحديث ليضل عن سبيل الله بغير علم و يتخذها هزواً اولئك لهم عذاب مهين» (لقمان: 6)

«بعضی از مردم سخنان بیهوده را می‌خرند، تا مردم را از روی نادانی از راه خدا گمراه سازند و آیات الهی را به استهزاء گیرند، برای آن‌ها عذابی خوار کننده است.»

«لَهُوَالْحَدِيثُ» مفهوم وسیع و گسترده ای دارد که هر گونه سخن و آهنگ‌های سرگرم کننده و غفلت زا که انسان را به بیهودگی یا گمراهی می‌کشاند در بر می‌گیرد. ( مکارم شیرازی و جمعی از همکاران، 1370، ص13)

2- « و اجتنبوا قول الزور» (حج:30)

«از سخن باطل دوری کنید.»

این آیه امر کرده است به اجتناب و دوری گزیدن از «قول زور» پس اجتناب از قول زور واجب است. کلمه «زور» به معنای باطل و انحراف از حق است و «قول زور» عبارت است از هر سخن باطل و منحرف از حق. (مکارم شیرازی، منبع پیشین، ص15)

ب- روایات زیادی بر حرمت و انتشار کتب ضلال دلالت می‌کنند، که می‌توان به روایت زیر اشاره کرد:

امام باقر(ع) فرموده است:

« من علم باب ضلال کان علیه مثل اوزار من عمل به و لا ینقض اولئک من اوزارهم شیئا» ( حرانی، 1404ه. ق، ص390)

«هر کس که راه و روشی از گمراهی را آموزش دهد گناه همه عمل‌کنندگان به آن، بر دوش او نیز هست و هیچ عملی سبب سبک شدن بار این گناه آن‌ها نخواهد شد.»

ج- اجماع فقها؛ همه فقها بر حرمت آن فتوا داده اند. (انصاری، منبع پیشین، ص83)

د- عقل هر عاقلی حکم می‌کند بر این‌که ماده و ریشه‌ی فساد را باید قطع کرد. خطرناک‌ترین ماده فساد فکری

و اعتقادی که حیات انسانی جامعه را تهدید می‌کند کتب ضلال است پس باید نابود گردد. ( همان )

مرحوم صاحب جواهر بیان می‌دارد: « ادله حرمت اقتضاء دارد که هر آنچه گمراهی داشته باشد حرام باشد، کم باشد یا زیاد، برای ایجاد گمراهی نوشته شده باشد یا خیر، لذا در مسالک و جامع المقاصد تصریح شده که باید موضع گمراهی را

نابود کرد و در هر حال مراد از کتاب ضلال هر کتاب گمراه کننده و غیر رشاد است.» (نجفی، 1367، ص154)

### 3- مبانی فقهی و حقوقی سانسور

بعد از تبیین مفهوم سانسور و استثناء بودن آن بر اصل آزادی بیان و اطلاعات، و هم چنین روشن شدن مفهوم و مصادیق کتب ضلال و دلایل فقها بر حرمت آن ها، در اینجا به بررسی دلایل قانونی بودن سانسور یعنی مبانی فقهی و حقوقی آن با تأکید بر کتب ضاله می‌پردازیم:

#### 3-1- مبانی فقهی سانسور

باتوجه به مطالب ذکر شده، به طور خلاصه برخی از مبانی فقهی سانسور را برمی‌شماریم:

##### 1- اصل گفتار أحسن

گفتار أحسن یکی از اصولی است که مقّدم بر آزادی بیان است. نه تنها گفتار أحسن قول و گفتار را محدود نمی‌کند، بلکه آن را ارتقاء می‌دهد، تا آنجا که در بسیاری از روایات، سکوت بر سخنی که خیری در آن نیست ترجیح دارد. خداوند متعال می‌فرماید: «و قولوا للناس حسناً» (بقره / 83) و «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و قولوا قوالاً سدیداً» (احزاب / 70) روایات متعددی نیز از معصومین (علیهم السلام) این مهم را گوشزد می‌کند. رسول خدا (ص) می‌فرماید: (السکوت خیر من املا الشرّ و املاء الخیر من السکوت). (مجلسی، 1403 ه.ق، ص296)

راویان و محدثان گاهی حدیثی را «صحیح» می‌دانستند، اما با این احتمال که ممکن است مردم عامی گمراه شوند از روایت آن‌ها خودداری می‌کردند. شیخ صدوق در باب «رویت» کتاب توحید می‌فرماید: «با آن که در این باره از محدثان احادیث صحیح در دست است اما برای پرهیز از گمراهی و کفرورزی نادانان از نقل آن‌ها خودداری می‌کنم.» (ابن بابویه قمی، 1387 ه.ق، ص119)

##### 2- ترویج بدعت در دین

آیات متعددی در قرآن وجود دارد که عرضه آزاد بعضی از اندیشه‌ها و افکار را، برای دین و ایمان مردم مضر به شمار می‌آورد و سرانجام ترویج این نوع اندیشه‌ها را باعث تحیر، گمراهی و بی‌دینی مردم می‌داند. چرا که مطالبی را

علیه دین مطرح می‌کنند که واقعیت ندارد و باعث نوعی بدعت در دین می‌شوند.

مرحوم مجلسی ضمن نقل حدیثی از رسول اکرم (ص) در خصوص ضلالت بودن هر نوع بدعت و این‌که هر ضلالتی رو به آتش دارد ( ... إلا و کل بدعه ضلاله و کل ضلاله فقی النار ) می‌گوید: « از روش‌ها و راه‌هایی که کج روان و منحرف سازان در انتقال اطلاعات و پیام گمراه کننده، از آن بهره می‌جویند، استفاده از مغالطات لفظی و منطقی است تا با آن مطلب ناصواب و ناحق را حق جلوه دهند.» ( مجلسی، منبع پیشین، ص42)

### 3- ممنوعیت افشای اسرار و وجوب دفاع از حیثیت نظام

هر نظامی دارای اسراری که بر کتمان و مستور ماندن آن از دید نامحرمان و نااهلان می‌کوشد و آن کس که مبادرت به افشا و کشف آن نماید خائن محسوب می‌شود و آزادی بیان از وی سلب می‌شود.

قرآن کریم از پخش اطلاعات امنیتی مسلمانان صریحاً نهی نموده و انتشار اسرار نظام اسلامی و مسلمانان را، گرچه به داعیه دلسوزانه باشد، به عنوان خیانت یاد کرده و مردم را از خیانت به خدا و رسول، که در این جا یکی از مصداق با ارزش همان افشای اسرار اسلام می‌باشد، برحذر داشته است.

خداوند در آیه بیست و هفتم سوره ی انفال می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ»

«ای مؤمنان به خداوند و پیامبرش خیانت نورزید.»

نکته ای که می‌بایست مورد دقت قرار گیرد این‌که، مرز بین خیر خواهی و توطئه و مرز بین اموری که مربوط به حیثیت اسرار نظام و انتشار آن، مایه ضعف و سستی نظام است با اموری که نشر آن موجب آگاهی مردم و تقویت نظام می‌گردد، مرزی است دقیق، که می‌بایست به درستی تشریح گردد؛ چه بسا اشتباه بین این دو، دیدگاه خسارت بزرگی را به بار آورده است و شخصیت‌هایی هتک شده اند. یا حفظ خبرهایی که نشر آن باعث برانگیخته شدن آشوب‌های داخلی می‌شود یا وحدت ملی را از بین می‌برد.

#### 4-توهین به مقدسات و اشخاص

توهین به انسان‌ها خواه مسلمان یا خواه نامسلمان باشند، در اموری که موجب خدشه دار شدن حیثیت آن‌ها می‌شود، چون موجب عدم احترام به کرامت انسان‌ها می‌گردد در حقوق اسلام، ممنوع اعلام شده است. خداوند در قرآن کریم اهانت و دشنام دادن به مخالفان و حتی به بت‌هایی را که از سوی عده‌ای جانشین الوهیت و ربوبیت ایشان شده اند؛ جایز نمی‌داند هم-چنان که می‌فرمایند:

«ولا تسبوا الذین یدعون من دون الله فیسبوا الله عدواً بغير علم کذلک زینا لکلّ أمّه عملهم ثمّ إلی ربهم مرجعهم فینبئهم بما کانوا یعملون» (انعام/108)

«(ای مؤمنان) به معبودها و بت‌هایی که مشرکان به جز خدا می‌پرستند، دشنام ندهید تا آنان (مبادا خشمگین شوند) تجاوزکارانه و جاهلانه خدای را دشنام دهند. همان‌گونه برای هر ملتی و گروهی کردارشان را آراسته ایم. عاقبت بازگشت‌شان به سوی خدایشان است و خداوند آنان را از آن چه که کرده اند آگاه می‌سازد». در توهین به مقدسات بر خلاف توهین ساده که فقط به افراد می‌باشد، در این‌جا مخاطب توهین کننده ممکن است ذات اقدس الهی، اشیا و اماکن مقدّس، زمان‌های مقدّس و اعتقادات مقدّس باشد. که در آیه بالا به آن اشاره شده است.

در کشورهایایی که اعتقادات مذهبی ندارند حضور سانسور در آن‌جا کم رنگتر است. با این وجود، در برخی کشورهای غربی مانند انگلستان، توهین به مقدسات دین مسیحیت ( و نه سایر ادیان ) جرم است و در محدوده‌ی سانسور قرار دارد. بنابراین واقعیت این است که حتی در کشورهای غربی هم که مدعی هستند کمترین سانسور و محدودیت را در رسانه‌های خود دارند، در عمل بسیاری از موارد، سختگیرانه تر از کشورهای در حال توسعه عمل می‌کنند.

#### 3-2- مبانی و مستندات حقوقی سانسور

با توجه به دلایل حرمت کتب ضاله، و حدود و ثغوری که در قوانین اساسی و عادی و هم‌چنین اسناد بین‌المللی حقوق بشری برای آزادی بیان و مطبوعات ذکر شده است، می‌توان مبانی حقوقی سانسور را برشمرد، در ابتدا به عنوان مثال برخی از این محدودیت‌ها را که در قوانین مختلف کشورها آمده، اشاره می‌شود:

در بعضی از کشورها در هنگام جنگ، حکومت نظامی<sup>6</sup>، بحران-های سیاسی و ... سانسور مطبوعات به شدت صورت می‌گیرد. دولت بر اساس قوانین خاص می‌تواند به اعمال محدودیت یا سانسور مطالب به خاطر حفظ امنیت ملی جامعه و منافع جامعه‌اش بپردازد. مثلاً در آمریکا، در جنگ کره ( 1953 - 1950 )، جنگ ویتنام ( 1974 - 1964 )، و جنگ خلیج فارس ( 1990 ) به رغم نظام مطبوعاتی آزادی‌گرا، محدودیت‌ها و ممیزی‌های گوناگونی در مورد فعالیت روزنامه‌ها و مجله‌ها برقرار شده بود.

در قوانین مطبوعاتی کشور سوریه، نقل خبرهای دروغین و نشر آن و تشویق جرم و خدشه دار نمودن آداب و اخلاق اجتماعی از راه مطبوعات ممنوع شمرده شده است.

در کشور ترکیه، درج خبر روابط نامشروع کسانی که بر طبق قانون حق ازدواج با یکدیگر ندارند، چاپ مطالب خلاف اصول اخلاقی، تشویق به انجام جرم و جنایت و ... از موارد ممنوعه در قوانین مطبوعاتی این کشور به شمار می‌رود.

در کشور آلمان، یک جریان جالب وجود دارد و آن این که انکار یهودی‌کشی (Holocaust) در جنگ جهانی دوم جرم است! آیا انکار یک حقیقت کاری غیر اخلاقی است؟ یا خلاف امنیت ملی؟!!

در قانون اساسی ایالت ویرجینیا آمده است: « قانونگذار می‌تواند با وضع مجازات‌های لازم، انتشار یا فروش کتاب‌ها، روزنامه‌ها یا تصویرهای مستهجن و قبیحه را ممنوع کند. »

در ماده 42 قانون حقوق گمرکی انگلستان مصوب 1876، وارد کردن نوشتجات، نقاشی، عکس، کتاب، لیتوگرافی یا دیگر گراورهای مستهجن یا سایر موضوعات خلاف اخلاق را به انگلستان ممنوع کرده است.

در اصل 24 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دو محدوده ی اساسی « عدم اخلاق به مبانی اسلام و حقوق عمومی » را حاکم بر آزادی مطبوعات نموده است.

در فصل چهارم قانون مطبوعات جمهوری اسلامی ایران نیز محدودیت‌هایی چون: مطالب نباید برخلاف موازین اسلامی، امنیت و منافع جمهوری اسلامی و همچنین اشاعه فحشا و منکرات، اهانت به مقدسات اسلام و مقامات، فاش نمودن اسناد و مسائل محرمانه باشد؛ اشاره شده است.

---

<sup>6</sup> (اصل 79 قانون اساسی به ممنوع بودن حکومت نظامی اشاره دارد: « برقراری حکومت نظامی ممنوع است. در حالت جنگ و شرایط اضطراری نظیر آن و... »)



همچنین علاوه بر محدودیت‌های مندرج در قوانین اساسی و عادی کشورها برای آزادی مطبوعات، محدودیت‌هایی نیز در برخی اسناد بین‌المللی در این زمینه پیش‌بینی شده است.

در «عهدنامه‌ی بین‌المللی جلوگیری از نشریات مستهجن» که در سال 1309 (ه.ق) در ایران به تصویب رسیده است و مخصوصاً «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» (مصوب 16 دسامبر 1966) که ایران نیز جزء از جمله امضاء کنندگان این میثاق است، نام برد. ضمناً به سبب تعهد کشورهای امضاء کننده به رعایت آن‌ها، مانند قانون اساسی و قوانین مطبوعاتی یا قوانین عادی داخلی، ضمانت اجرا دارند. (در ماده 9 قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران مقرر شده است: «مقررات عهدی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول، منعقد شده باشد در حکم قانون است.»)

در بندهای 1 و 2 ماده 19 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بر آزادی عقیده و حق آزادی بیان و اطلاعات تأکید شده است و در بند 3 محدودیت‌های آزادی‌های اخیر را خاطر نشان ساخته است:

الف- احترام به حقوق و حیثیت دیگران

ب- حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی یا سلامت و یا اخلاق عمومی  
سپس در ماده‌ی 20 میثاق اضافه شده است: .

1- هر گونه دعوت (ترغیب) به کینه (تنفر) ملی یا نژادی یا مذهبی که محرک تبعیض یا خصامه با اعمال زور باشد، به موجب قانون ممنوع است.

با توجه به موارد بر شمرده از محدودیت‌های آزادی بیان و مطبوعات (سانسور) در کشورهای مختلف جهان می‌توان گفت این موارد، از دیدگاه فقهی مصادیقی از کتب ضلال می‌باشد.

در یک دسته بندی می‌توان انواع دلایل و توجیهاات حقوقی ارائه شده برای حمایت از سانسور را این گونه دسته بندی کرد:

1- آنچه در رابطه با استقلال و امنیت ملی کشور است.

حمایت از امنیت ملی مهم‌ترین استثناء در آزادی بیان و اطلاعات است که می‌توان به استناد آن، در بیان مطالب سانسور ایجاد کرد.

یکی از اهداف و وظایف اساسی حقوق، تأمین و تضمین امنیت در جامعه است که اگر امنیت در جامعه نباشد آن جامعه نمی‌تواند از سایر حقوق شهروندانش مانند حقوق سیاسی، مدنی

و... حمایت کند. امنیت ممکن است در عرصه های مختلف فردی، ملی در معرض تهدیدهای داخلی یا خارجی باشد. با این که میان عرصه های مختلف امنیت ارتباط متقابل وجود دارد، اما در این بین، امنیت ملی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است زیرا بستر لازم برای دیگر امنیت ها و شکوفایی حقوق و آزادی های اساسی بشری را فراهم می کند. از این رو، در کشورهای مختلف جهان، اهمیت امنیت ملی تا اندازه ای زیاد است که در صورت تعارض با دیگر حقوق و آزادی های شهروندی، بر آن غلبه می یابد و آن ها را محدود یا معلق می کند. (انصاری، 1387، ص 163)

در نظام حقوقی اکثر کشورها، قوانین و مقرراتی درباره ی امنیت ملی وجود دارد که می توان موارد زیر را در زمره ی مهم ترین مقوله های اطلاعات مرتبط با امنیت ملی دانست:

الف- اطلاعاتی که افشای آن ها خطر جدی علیه وحدت و یکپارچگی کشور داشته باشد.

ب- اطلاعاتی که افشای آن ها تحریک مؤثر برای شورش و اغتشاش در کشور باشد.

ج- اطلاعاتی که افشای آن ها به ایجاد تنفرها و اختلافات نژادی، قومی و مذهبی منجر می شود.

د- اطلاعاتی که مرجع عالی امنیتی کشور افشای آن ها را ممنوع سازد. (همان، ص 165) ماده 19 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند 5 ماده 6 قانون مطبوعات جمهوری اسلامی ایران و ... به این امر مهم اشاره دارند.

2- آنچه برای حفظ حریم خصوصی است.

« در تعریف حریم خصوصی می توان گفت قلمروی از زندگی هر فرد است که آن فرد نوعاً یا عرفاً با اعلان قبلی، انتظار دارد دیگران بدون رضایت وی به اطلاعات راجع به آن قلمرو دسترسی نداشته باشند یا به آن قلمرو وارد نشوند و به آن تعرض نکنند. » (همان، ص 197) هدف از این آزادی دفاع از آزادی و استقلال فردی و آبرو و حیثیت افراد می باشد. علاوه براین، حمایت و دفاع از حریم خصوصی، شرایط لازم را برای رشد و کمال و تکامل شخصیت افراد را فراهم می کند. حفظ حریم خصوصی رابطه تنگاتنگی با کرامت انسانی دارد. به همین دلیل، حق حریم خصوصی یکی از مصادیق مهم بشر شناخته می شود که در بسیاری از اسناد بین المللی راجع به حقوق بشر نظیر اعلامیه جهانی حقوق بشر (1948) میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (1966) و اعلامیه اسلامی حقوق بشر (1990) به غیر قابل تعرض بودن آن تصریح شده است. با وجود این

در نظام حقوقی ایران حریم خصوصی به صورت معنون و مشخص تدوین نشده است. (همان، صص 200 - 201)

3- آنچه برخلاف اخلاق عمومی، نظم عمومی است.

نظم عمومی با این معنی است: «مجموعه نیازهای بنیادین اجتماعی، سیاسی، و... است که برای عمل به منافع عمومی، محافظت از امنیت، محافظت از آداب عمومی، سیر اقتصادی و حتی حمایت از بعضی از مصالح خاص ضروری به شمار می آید.» (کورنو، 1998، ص292) اخلاق نیز بدین مفهوم است که: «آداب و رسوم اجتماعی جامعه، آن چه که مردم عادت کرده اند و افکار و وجدان عمومی جامعه پسندیده است.» (ساکت، با توجه به تعریف‌های مذکور نباید مطلبی در 1371، 104) رسانه‌های جمعی نوشته شود که برخلاف این موارد مثلاً آداب و رسوم یک منطقه یا کشور و یا منافع عمومی باشد. چرا که اگر مطلبی نوشته شود مورد سانسور قرار می‌گیرد. (بند 2 ماده 29 اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند 3 ماده 19 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند 8 ماده 6 قانون مطبوعات جمهوری اسلامی ایران)

4- آنچه باعث توهین به مقدسات مذهبی، فرهنگی و... می‌شود. (بند 7 و 8 ماده 6 قانون مطبوعات جمهوری اسلامی ایران). در قسمت مبانی فقهی به این مورد پرداخته شد.

5- آنچه باعث اختلاف و جنگ بین ملت‌ها و نژادهای مختلف می‌شود.

گاهی اوقات ممکن مطلبی در رسانه‌های جمعی مانند مطبوعات، تلویزیون و... مطالبی ذکر شود که منجر به اختلاف بین نژادها در یک کشور شود، و در نتیجه نظم عمومی و امنیت در آن جامعه را از بین ببرد. یا منجر به اختلاف بین چند کشور شده در نتیجه باعث بروز جنگ و درگیری شود. (ماده 20 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند 4 ماده 6 قانون مطبوعات جمهوری اسلامی ایران).

این محدودیت‌ها و استثنایهای مختلفی که برشمرده شد، در صورتی قابل قبول هستند که از نظر حقوقی «مشروع» باشند یعنی بر طبق اصول و قواعد منطقی حقوق، پیش بینی شده باشند قواعدی که مشروعیت سانسور بر اساس آن سنجیده می‌شود در صورتی موجه و مشروع است که: طبق بند دوم ماده 29 اعلامیه جهانی حقوق بشر و هم چنین ماده 10 کنوانسیون اروپای حقوق بشر که سه شرط ویژه، هم زمان تأمین شده باشد. اما این‌که «محدوده‌ی ارزیابی و تشخیص» دولت‌ها در این زمینه چه اندازه است، یا به عبارتی دیگر دولت‌ها تا

کجا می‌توانند این شرایط را مورد توجه و بررسی قرار دهند و آزادی‌ها را محدود سازند، اهمیت بسیار دارد. شرایط ذکر شده عبارتند از:

الف- دولت باید بر اساس قانون استوار باشد.

ب- دولت‌ها مجازند محدودیت‌هایی را اعمال کنند که در یک جامعه دموکراتیک ضروری تلقی می‌شود.

ج- این دخالت‌ها باید بر تأمین حقوق و آزادی‌ها از طریق تنظیم و اجرای حقوق و آزادی‌ها توسط افراد و پی‌گیری از تجاوز آنان به حقوق و آزادی‌های دیگران و نظم عمومی و اخلاق عمومی و منافع همگانی باشد یعنی دارای اهداف مشروع باشد.<sup>7</sup>

### 3-3 رویکرد حقوقی ایران نسبت به سانسور:

در این مبحث به رویکرد و نگرش حقوقی ایران نسبت به سانسور پرداخته می‌شود. آیا در ایران سانسور در رسانه‌های جمعی مانند تلویزیون، مطبوعات و... وجود دارد؟ آیا در کشور جمهوری اسلامی ایران قانونی تحت عنوان «قانون سانسور» وجود دارد؟

در کشور جمهوری اسلامی ایران سانسور جرم شناخته می‌شود. در برخی از کشورها برای سانسور قانون دارند، یعنی سانسور را به قانونی و غیر قانونی تقسیم می‌کنند. در برخی از کشورها مانند کشور ما فرض بر این است، آنچه که در قوانین پیش‌بینی شده حدود قانونی است. اگر بر آن‌ها نظارت شود دیگر سانسور نیستند اگر خارج از آن چه در قوانین پیش‌بینی شده محدودیتی بر رسانه‌ها تحمیل شود نامش را سانسور می‌گذارند. بنابراین در کشور ما سانسور جرم شناخته می‌شود.

در کشور ما سانسور جرم است، اما خود مفهوم سانسور و روش‌های آن تبیین نشده است هر کسی که قدرت اثرگذاری داشته باشد و از این قدرتش برخلاف آن حدود قانونی استفاده کند مرتکب سانسور شده است. ما در بحث سانسور محتوی و ساختاری داریم. در برخی کشورها می‌گویند اگر رسانه‌ها ملزم به أخذ مجوز شوند نوعی سانسور صورت گرفته است. در حالی که در کشور ما این گونه نیست. درباره‌ی این مصادیق سانسور مراجعی داریم که در کشور این اختیار را دارند تا در مورد نوشته‌ها و برخی عنوانین و یا مسایلی از این دست خارج از قانون سانسور عمل کنند. شورای عالی امنیت ملی

<sup>7</sup>. برای مطالعه بیشتر به مقاله: ناصر قربان نیا «تحدید حقوق و آزادی‌ها» فصلنامه فقه و حقوق، شماره 10، 1385 رجوع کنید.

تا قبل 1379 به رسانه‌ها امر و نهی‌هایی می‌کرد منتهی آن زمان برخی زیر بار نمی‌رفتند تا این‌که قانون مطبوعات اصلاح و مصوبات شورا برای مطبوعات لازم الاجرا شد. در مرحله بعد قوه قضاییه دادستانی و یا وزارت اطلاعات، مقامات امنیتی و اطلاعاتی، نیروی انتظامی هم می‌توانند به صورت جزئی در مورد مطبوعات مداخله‌هایی را داشته باشند با این شرط که در این زمینه خیلی نمی‌توانند سانسور دهند. (www.dayna.ir، 1389)

در کشور ایران تحقق و اجرای آزادی مطبوعات با اچ ازه قبلی است. یعنی به این صورت است، که دولت اجرای آزادی را منوط به کسب اجازه قبلی از مقامات صلاحیتدار می‌کند مانند تأسیس و انتشار یک روزنامه که به تشخیص مقامات اداری واگذار می‌شود. (انصاری لاری، 1375، ص126)

در تبصره 2 ماده یک قانون مطبوعات جمهوری اسلامی ایران مقرر شده است:

«نشریه‌ای که بدون أخذ پروانه از هیأت نظارت بر مطبوعات منتشر گردد از شمول قانون مطبوعات خارج بوده و تابع قوانین عمومی است.»

نکته‌ی درخشانی که در قانون مطبوعات 1364 جمهوری اسلامی ایران وجود دارد، ممنوع شمردن سانسور است. در فصل سوم، ماده (4) این قانون ذکر شده است:

«هیچ مقام دولتی و غیر دولتی، حق ندارد برای چاپ مطلب یا مقاله‌ای در صدد اعمال فشار بر مطبوعات برآید و یا به سانسور و کنترل نشریات، مبادرت کند.»

اما «به طوری که ملاحظه می‌شود، مفاد این ماده به صورت کلی، انشاء شده است و در آن فقط به حق نداشتن هیچ مقامی برای درصدد برآمدن به فشار بر مطبوعات و مبادرت به سانسور و کنترل نشریات، اشاره گردیده است. به همین لحاظ، با آن‌که این ماده، برخلاف ماده‌ی 29 لایحه‌ی قانونی مطبوعات مصوب مرداد 1358، علاوه بر مقام‌های دولتی مسئول اعمال فشار و سانسور کنترل نشریات، مقام‌های غیر دولتی را هم در این زمینه مطرح کرده است، اما به سبب عدم پیش‌بینی مجازات مرتکبین پنین اعمالی که در ماده یاد شده‌ی لایحه قانونی مذکور، دقیقاً ذکر شده بود، از قاطعیت لازم و ضمانت اجرای صریح و مشخصی برخوردار نیست.» (معتدنژاد، 1381، ص223)

نکته دیگری که در این ماده به چشم می‌خورد و مبهم بودن این ماده را بیشتر می‌کند، مربوط به واژه «فشار» و «

سانسور «است». در این ماده « فشار » نیاز به توضیح دارد .  
« فشار » چیست؟ آیا یک تلفن تهدید آمیز از سوی یک مقام  
غیر دولتی و یا همراه با تحکم از سوی یک مقام دولتی برا  
چاپ مطلب یا مقاله مورد نظرش « فشار » محسوب می‌شود؟ آیا  
« فشار » یک اخطار است؟ احضار به دادگاه است ... ( انصاری لاری، همان، ص 165)

با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان گفت، در ایران سانسور  
و ممیزی صورت می‌گیرد ولی با عنوان حدود قانونی یعنی  
تنها در مواردی که قانون آن محدودیت‌ها و حدود را احصاء  
نموده و مشخص کرده است. در واقع مواردی مانند : خلاف  
امنیت ملی، توهین به مقدسات، تجاوز به حریم خصوصی و ...  
که به عنوان مبانی سانسور برشمردیم در قانون ایران ، به  
شکل حدود قانونی ذکر شده و اعمال می‌شود.

مثلاً مدیر کل اداره کتاب بیان کردند : ما کتاب‌ها را مورد  
ممیزی و بازرسی قرار می‌دهیم. مثلاً ممکن است کتابی را به  
صورت فایل pdf یا word به کمک نرم افزارها مورد بررسی و  
واژه یابی قرار داد، اما آن چه قانون از ما می‌خواهد این  
نیست که به صورت مکانیکی برخورد شود، بلکه قانون خواسته  
است روح کتاب درک شود. لذا این کار به صورت صد در صد با  
نیروی انسانی صورت می‌گیرد. ( [www.tabnak.ir](http://www.tabnak.ir) ، 1390 )

پس با توجه به بیانات مدیر کل کتاب، سانسور و ممیزی در  
کتاب‌ها صورت می‌گیرد اما به نحوی که معنی و مفهوم موضوع  
کتاب تغییر نکند .

## نتیجه :

آزادی بیان و اطلاعات از آزادی‌های عمومی و اساسی بشر به  
شمار رفته و مورد انکار هیچ فرد آگاه نبوده و همه آن را

قبول دارند. هم در اسلام و هم در بسیاری از اسناد بین-المللی حقوق بشر به آن پرداخته شده است.

اما از آنجایی که آزادی بیان و اطلاعات و اخبار به خاطر فوایدی چون: گزارشدهی دولت، نقش نظارتی و انتقادی نسبت به عملکرد دولت و ... دارد، بنابراین تحدید این آزادی ها یا سانسور نیز نیاز به توجیه دارد. این محدودیت ها نه تنها در اسلام بلکه در قوانین داخلی کشورها و اسناد بین-المللی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. و تنها اختلاف آن-ها در محدوده‌ی اعمال آن است. سانسور یا تحدید آزادی بیان یک استثناء بر اصل آزادی بیان و اطلاعات می باشد. بنابراین می‌بایست تحت شرایط و قوانین خاصی اعمال گردد، چرا که به لحاظ حقوقی استثنائات باید به طور « مضیق » تفسیر شود.

یکی از توجیحات سانسور در اسلام، کتب ضلال هستند؛ کتب شامل هر چیزی است که موجب انتقال و رسانش پیام به مخاطبان شود. مانند: کتاب، رادیو، تلویزیون، مطبوعات و ... . و ضلال هم شامل هر آن چه که موجب انحرافات عقیدتی و گمراه شدن از حقیقت و کژروی می شود. به طور مختصر مفهوم ضلال شامل مفاهیمی چون: اشاعه فحشا و بی‌عفتی در جامعه، تحریض و تشویق علیه حکومت و امنیت ملی و منافع عمومی، توهین و افتراء و تحقیر به انسان ها و کرامت آن ها فاش نمودن اسرار نظامی و حکومتی، تضعیف باورها و عقاید مردم و ... می‌شود.

به همین دلیل باید سانسور دارای مبانی باشد که بر اساس آن‌ها بتوان این استثناء را به اصل وارد کرد.

مبانی فقهی که از آیات و روایات و ... به دست آمده است، عبارتند از: اصل گفتار احسن، ترویج بدعت در دین، ممنوعیت افشای اسرار نظام، توهین به اشخاص و مقدسات

مبانی حقوقی سانسور نیز علاوه بر دلایل حرمت کتب ضاله از قوانین اساسی و عادی و هم چنین بسیاری از اسناد بین-المللی حقوق بشری که در این زمینه نظری داشته اند عبارتند از: آنچه در رابطه با استقلال و امنیت ملی کشور است، آنچه برخلاف اخلاق عمومی و نظم عمومی، آنچه باعث اختلاف و جنگ بین ملت ها و ... می‌باشد.

به طور کلی همه کشورها امر سانسور را قبول دارند و آن را با توجه به ارزش‌های متعالی مورد قبول جامعه ( مانند: ارزش‌هایی که در قانون اساسی و قوانین عادی هر کشور آمده است) و هم چنین فرهنگ حاکم در هر جامعه ای، نقش تعیین کننده ای در داوری نسبت به مصالح، و این که چه چیزی تأمین کننده منافع و مصالح عمومی است دارد؛ مرزهایی

هستند که حدود آن را مشخص می‌کنند. و این‌گونه ارزش‌ها که مبنای عقلانی قوی نیز دارند از عوامل وجودی جامعه و مقدسات آن به شمار می‌آیند که مانند نظم و امنیت از موضعی مقدس و مطلوب عامل تحدید آزادی (سانسور) می‌باشد.

میزان قدرت و محدوده‌ی اختیارات حکومت در امر سانسور تا آنجایی است که قوانین مشخص کرده‌اند و حق ندارند هر آن‌چه را که به صلاح و مصلحت فردی خود است بر مردم تحمیل کنند. در واقع قانون محدوده و مرز مصالح را باید مشخص کند.

گاهی اوقات عناوینی چون حفظ مصلحت عمومی، امنیت عمومی، خلاف اخلاق و عفت عمومی و... دستاویزی برای بسیاری از حکومت‌ها می‌باشد و باعث می‌شود، در اخبار و اطلاعات سانسور و ممیزی قرار داده شود. به همین خاطر باید قوانینی به طور مشخص و دقیق این مفاهیم را تعریف کرده تا باعث سوء استفاده افراد مخصوصاً دولتمردان نشود.

مثلاً در ماده چهارم قانون مطبوعات جمهوری اسلامی ایران منظور از کلمه فشار چیست؟ یا در فصل چهارم که مربوط به حدود آزادی مطبوعات است، بر سر حدود و حیطة موازین اسلامی و مصالح جامعه اختلاف فراوانی می‌تواند بروز یابد. مفهوم موازین اسلامی مبهم است و تفسیرهای گوناگونی از آن می‌شود، توهین چیست؟ چگونه می‌توان آن را تشخیص داد؟ انتقاد سازنده که کاربردهای فراوان هم دارد به چه معناست؟ چه موضوع‌هایی و چه حیطة‌هایی را می‌توان مورد انتقاد قرار داد؟ همه با توهین و تحقیر و افتراء مخالف هستند، ابهام در حد و مرز است. با توجه به کلی بودن و مبهم بودن این مفاهیم می‌توان تفسیرهای متعددی از آن‌ها برداشت کرد. پس باید تدابیری اندیشه شود تا مفهوم این تعابیر نه بیش از اندازه موسع و نه مضیق شود.

فهرست منابع:



- 1 قرآن .
- 2 ابن بابویه قمی، علی بن الحسین؛ التوحید، تهران،  
مکتبه الصدوق، 1378ق.
- 3 انصاری، شیخ مرتضی؛ کتاب المکاسب (ج1)، بیروت،  
موسسه النعمان، 1410ه.ق.
- 4 انصاری، باقر؛ آزادی اطلاعات، تهران، نشر دادگستر،  
1387، چاپ اول.
- 5 انصاری لاری، محمد ابراهیم؛ نظارت بر مطبوعات در  
حقوق ایران، تهران، انتشارات سروش، 1375، چاپ اول.
- 6 حبیبی، محمد حسن؛ بررسی حق آگاهی مردم به عنوان یک  
حق اساسی، نشریه حقوق اساسی، سال اول، شماره اول،  
1382.
- 7 حرانی، ابن شعبه؛ تحف العقول عن آل رسول (ص)، موسسه  
النشر الاسلامی لجماعه المدرسین، 1404ه.ق، چاپ دوم .
- 8 حق شناس، علی محمد و دیگران؛ فرهنگ معاصر هزاره،  
تهران، مؤسسه فرهنگ معاصر، 1386.
- 9 دستگردی، وحید؛ آیا سانسور مطبوعات و دیگر وسایل  
ارتباط جمعی لازم است؟، ارمغان، شماره 4، 1354.
- 10 - رحیق اعضاء، علی؛ با همکاری مارک گلی، دانش نامه  
در علم سیاست، تهران، انتشارات فرهنگی صبا، 1384.
- 11 - ساکت، محمدحسین؛ حقوق شناسی ( دیباچه ای بر دانش  
حقوق )، مشهد، نشر نخست، 1372.
- 12 - صافی گلپایگانی، لطف الله، هدایه العباد، قم، بی -  
نا، 1416ه.ق.
- 13 - عمید زنجانی، عباسعلی؛ فقه سیاسی (ج1)، تهران،  
انتشارات امیر کبیر، 1377.
- 14 - فیروز آبادی، مجد الدین، القاموس المحيط (ج4)،  
بیروت، دارالعلم، بی تا.
- 15 - قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- 16 - قانون مطبوعات جمهوری اسلامی ایران
- 17 - الکیالی، عبدالوهاب، الموسوعه السياسیه (ج2)،  
بیروت، موسسه العریه الدراسات و النشر، 1991.

- 18 - کورنو، جیرار؛ المعجم المصطلحات القانونیه ( ج1 )، ترجمه: منصور القاضی، بیروت، موسسه الجامعه للدراسات و النشر و التوزیع، 1998.
- 19 - کین، جان؛ رسانه ها و دموکراسی، مترجم: نازنین شاه رکنی، تهران، انتشارات طرح نو، 1383، چاپ اول.
- 20 - مارکس، کارل؛ سانسور و آزادی مطبوعات، مترجم: حسن مرتضوی، تهران، نشر اختران، 1384، چاپ اول.
- 21 - مجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1403 ق. چاپ دوم.
- 22 - محسنیان راد، مهدی؛ ارتباط شناسی، تهران، انتشارات سروش، 1369.
- 23 - معتمدنژاد، کاظم، حقوق مطبوعات، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها، 1381، چاپ دوم.
- 24 - مفید، ابی عبدالله محمد بن نعمان، المقنعه، قم، چاپ انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، 1410 ه. ق.
- 25 - مکارم شیرازی، ناصر؛ انوار الفقاهه، قم، مطبوعاتی هدف، 1415 ه. ق، چاپ اول.
- 26 - \_\_\_\_\_ و همکاران؛ تفسیر نمونه (ج17)، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1370.
- 27 - نجفی، محمد حسن؛ جواهر الکلام (ج12)، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1367، الطبعة الثالثة.
- 28 - هاشمی، سید حسین؛ حقوق سانسور در رسانه ها، رواق اندیشه، ش 27، اسفند 1382.
- 29 - َََّّّ : تئوریزه کردن سانسور یا ترویج ول انگاری، رواق اندیشه، ش 32، مرداد 1383.
- 30 - یزدی، سید محمد کاظم، حاشیه المکاسب، قم، انتشارات اسماعیلیان، 1378.

31. [www.dayna.ir](http://www.dayna.ir)

32. [www.Tabnak](http://www.Tabnak).

33. Turner jane -Dictionary of Arts Vol.. Newyork: Macmillam Publishers  
1996 .